فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره چهل و سوم، تابستان ۱۴۰۲- صفحات ۲۵-۷

بررسی موانع فقهی مشروعیت معاملات فردایی

نوع مقاله: پژوهشی

سیدعلیرضا امین[۱]
غلامعلی معصومی‌نیا[۲]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۹

چکیده

معاملات فردایی، *مبادلاتی در پایان یک روز معاملاتی، براساس پیش‌بینیِ قیمتِ روزِ آینده است که در بستر گروهی متشکل از تعدادی اعضاء دارای اعتبار زیر نظر یکی از آنها به عنوان رئیس گروه که عهده‌دار اخذ تضامینی متناسب با فعالیت اعضاء است، انجام می‌پذیرد. از یک سو خصوصیاتی همچون فقدان نهاد ناظر قانونی خارج از گروه، نبود هیچ‌گونه قرارداد مکتوب فی ما بین، امکان انجام غیرحضوری، موضوعیت نداشتن تحویل مورد معامله، سهولت و جذابیت فوق العاده‌ی برای طیف گسترده ای از مخاطبین این معاملات فراهم آورده است. از سوی دیگر شبهاتی نسبت به مشروعیت معاملات فردایی مطرح است که بعضاً منشا وضع محدودیت‌هایی نیز گردیده است. این نوشتار با عنایت به نقش روشنگری فقهی مساله همپای ورود قوانین شریعت در صحنه عملی جامعه، به شیوه‌ی توصیفی – تحلیلی و بررسی منابع کتابخانه‌ای درصدد احصاء و ارزیابی موارد محتملی است که مشروعیت معاملات فردایی را مخدوش می‌سازد. نتایج حاکی از آن است که به جهاتی از قبیل تطبیق قسمی از قمار بر آنها، غرری بودن ارکان معامله در فرض لحاظ معامله فردایی به صورت تقابل تعهدها، عدم جواز تصرف در عوض حتی با رضایت مالک در فرض غالب که اشخاص به عنوان وفای به عقد تسویه می‌کنند، تردید در پذیرش ریسک و خطر پذیری به عنوان منشا مشروع سود و تحمیل ضرر به سایرین ناشی از گشوده‌بودن مجرای فعالیت‌های سوداگرانه، مشروعیت این معاملات مخدوش است.*

کلمات کلیدی: معامله فردایی، تاوان، غرر، ضرر، ربا.
طبقه‌بندی JEL: E52، G32، D53، Z12.

---

[۱] پژوهشگر درس خارج حوزه علمیه قم؛ دانش اموخته ارشد فقه و حقوق اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی(ره) (نویسنده مسئول). s.alirezaamin@gmail.com

[۲] دانشیار، گروه اقتصاد و بانکداری اسلامی، دانشکده اقتصاد، دانشگاه خوارزمی. masuminia_ali@yahoo.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

مقدمه

به دنبال خلاء ناشی از مسائلی همچون به رسمیت شناخته نشدن معاملات آتی در نظام پولی و بانکی کشور و نیز تاخیر ۲۴ ساعتی در واریز تراکنش کارت خوان‌ها، بازاری غیررسمی موسوم به بازار معاملات فردایی ارز، طلا، جواهرات و سکه در اقتصاد کشور تشکیل شد(میثمی، ۱۳۹۷، ص۲). این بازار آن‌چنان در اقتصاد کشور رخنه نمود که علی رغم ممنوعیت‌هایی که طبق ماده ۱۳ و ۱۵ قانون مقررات ناظر بر عملیات ارزی صرافی‌ها و نیز قانون جدید مبارزه با قاچاق ارز کالا، برای اشخاص حقیقی و حقوقی وضع گردیده است، همچنان این معاملات به حیات خویش به خصوص در شبکه‌های مجازی ادامه می‌دهد. به موجب این معاملات، ذی نفعان بازار طلا، جواهرات و ارز، بسته به تعهداتی که مبتنی بر پیش‌بینی‌هایشان نسبت به قیمتِ روزِ آینده بر عهده گرفته اند، سود کرده یا متحمل زیان می‌شوند.

در این بازار، غرض تعداد ناچیزی از اشخاص، تحویل مورد معامله است. پوشش ریسک و به تراز رسیدن بازارهای پولی و مالی کشور و نیز کسب سود بیشتر در شرایط تشنج بازار ناشی از معامله-های صوری، از اصلی ترین انگیزه‌های گرایش به معاملات فردایی محسوب می‌شود. فقدان نهاد ناظر قانونی خارج از گروه، نبود هیچ‌گونه قرارداد مکتوب فی ما بین، امکان انجام غیرحضوری، موضوعیت نداشتن تحویل مورد معامله از جمله بارزترین خصوصیات این معاملات است که سهولت و جذابیت فوق العاده‌ای را برای ذینفعان موجب گردیده است. لذاست که مخاطبین این معاملات، طیف گسترده ای از جامعه هستند و همین امر تبیین فقهی مساله را بیش از پیش ضروری ساخته است. خصوصاً آنکه به جهت ماهیت این قبیل معاملات که عمدتاً به صورت مجازی و در فضای غیرفیزیکی صورت می‌گیرد، به نظر می‌رسد وضع قوانین، بازدارندگی لازم را به دنبال نداشته باشد. لذا روشنگری دقیق فقهی مساله در کنار ورود قوانین شریعت در صحنه عملی جامعه، از جایگاه مهمی در سوق جامعه به فعالیت مشروع اقتصادی برخوردار است.

۱-مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

معاملاتی که ذی‌نفعان بازار ارز، طلا و جواهرات، در پایان یک روز مبتنی بر پیش‌بینی‌هایشان نسبت به قیمت روز آینده، صورت میدهند، معاملات فردایی نامیده می‌شود. به جمعی متشکل از تعدادی اعضاء دارای اعتبار که زیر نظر یکی از اعضاء به عنوان رئیس گروه، معاملات فردایی هر عضو در بستر آن انجام می‌شود، گروه گفته می‌شود. گارانتی، تضمیناتی است که رئیس گروه از عضو متقاضی هنگام عضویت یا قبل از اقدام به معامله فردایی با هدف افزایش اطمینان فرآیند معاملاتی که در گروه انجام می‌پذیرد، دریافت می‌کند. تاوان، تفاوت ارزش واقعی و ارزش پیش‌بینی‌شده است

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

که عضو گروه در صورت انجام پیش‌بینی نادرست، ملزم به پرداخت آن به عنوان غرامت به طرف مقابل می‌باشد. مراد از بررسی فقهی، فرآیند استخراج احکام شرعی از ادله اربعه مبتنی بر ضوابط خاص متکی بر طرق معتبر است.

علی رغم اهمیت موضوع و لزوم اقناع افکار عمومی در خصوص معاملات فردایی، پژوهش در این زمینه تنها به مقاله‌ای با عنوان"آسیب‌شناسی معاملات فردایی ارز و طراحی ابزارهای جایگزین در چارچوب اسلامی" از آقایان میثمی و ندری محدود است. نویسندگان این مقاله با تمرکز بر قمار و غرر، معاملات فردایی را از منظر شرعی با این دو چالش مواجه می‌دانند. تحقیق حاضر، درصدد است با تکمیل مباحث، ورود جدی‌تر از منظر فقهی به این مساله نماید. بدین منظور علاوه بر بررسی دقیق تر این دو امر، مساله از ابعاد دیگری همچون صوری بودن، غیرمشروع بودن منشا اعتبار گروه، معهود نبودن، تاثیر انحاء تصرف در عوض در حکم، تحمیل ضرر به سایرین و مشروعیت یا عدم مشروعیت سود ناشی از ریسک در شرایط نوسان بازار نیز ارزیابی می‌گردد.

۲-ماهیت معاملات فردایی در بازار غیر رسمی

در معاملات فردایی، فعالان بازار در پایان یک روز با ابتناء بر پیشبینی‌شان نسبت به قیمت روز بعد، وارد معامله می‌شوند. این معاملات غالباً نسبت به ارز، طلا و جواهرات در بستر گروهی متشکل از تعدادی اعضاء دارای اعتبار براساس اعتماد متقابل و به ریاست یکی از آنها، انجام می‌پذیرد. رئیس گروه با هدف اطمینان از تحقق فرآیندِ معاملات فردایی که در گروه صورت می‌گیرد، تضامین مورد نیاز را متناسب با فعالیت مورد درخواست اعضاء دریافت می‌کند. در صورتی که شرایط بازار مطابق پیش‌بینی طرفی که کاهش قیمت از مقدار برآوردشده برای فردا را انتظار داشت، رقم خورد، می بایست طرف مقابل - که انتظار افزایش قیمت را داشته است - به‌اندازه مابه‌التفاوت دو قیمت، به وی تاوان پرداخت نماید. چنان‌چه قیمت مورد معامله در فردا بیش از قیمت پیش بینی شده بود، طرفی که انتظار کاهش قیمت را داشته است، ملزم است به‌اندازه مابه‌التفاوت، غرامت به‌طرف دیگر بپردازد. چنان‌چه عضوی از پرداخت تاوان ممانعت نماید، ادامه‌ی فعالیتش در گروه، غیر معتبر شناخته شده و توسط رئیس گروه اخراج می‌گردد(میثمی، ۱۳۹۷، ص۷-۸). لذا همیشه گروه متشکل از اعضایی است که از اعتبار مزبور برخوردار باشند. همچنین همواره چنین نیست که طرفین نسبت به انجام معامله در روز آتی با قیمتی که اکنون توافق می‌کنند، متعهّد شوند. بلکه غرض در اکثر موارد، معامله بر تغییرات نرخ ارز و طلا برای پوشش ریسک نوسان قیمت است. در این صورت، طرفین صرفاً نسبت به پرداخت ما بالتفاوت به‌طرف مقابل به عنوان تاوان در صورت خطا در پیش بینی نرخ فردایی، متعهد می‌شوند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

۳-موانع احتمالی مشروعیت

هر قرارداد عقلایی که نهی خاص یا عام نداشته باشد، مورد تأیید و امضاء شریعت اسلام است. شریعت اسلام در نتیجه‌ی برخورد اصلاحی با معاملات عرفی، گروهی از آنها را از قبیل قمار از اساس مردوع دانسته و گروهی دیگر را با شرایطی از قبیل ربوی نبودن پذیرفته‌است. غرری نبودن، ربوی نبودن، اکل مال بالباطل نبودن، ضرری نبودن، از مهمترین اصولی است که برای تنظیم روابط اقتصادی مبتنی بر رعایت عدالت و استحقاق حقوق فرد و جامعه و جلوگیری از منازعات، مقرر گردیده‌اند(موسویان، ۱۳۹۲، ص۶۴-۷۳). هر معامله‌ی معهود و مستحدث، چنان چه فاقد یکی از این ضوابط سلبی باشد، از نظر شریعت محکوم به بطلان می‌باشد. مواردی از قبیل صدق قمار محرم، تطبیق بر لاضرر و لاضرار، غرری شدن معامله مشتمل بر شرط پرداخت تاوان مجهول، ربوی بودن معامله فردایی با تاکید بر قابلیت خرید زمان در آن، ، عدم پذیرش ریسک و خطر پذیری به عنوان منشاء مشروع سود، ممنوعیت تصرف در عوض حتی با رضایت مالک، معهود نبودن، بیع ما لیس عنده محسوب شدن، عدم تحویل مورد معامله، صوری بودن غالب معاملات و تاثیر عدم مشروعیت منشاء اعتبار اشخاص در گروه بر معاملات فردایی اعضاء، جهاتی هستند که هریک ممکن است به صورت مستقل اشکالی را متوجه معاملات فردایی نمایند. لذا بررسی آنها نقش برجسته‌ای در روشن شدن حکم شرعی معاملات فردایی دارد.

۳-۱-عدم قصد تحویل، دراختیار نداشتن مورد معامله و صوری بودن غالب معاملات

معامله‌ی فردایی به خودی خود اشکال "بیع ما لیس عنده" (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۵، ص۲۰۰) را ندارد. به جهت اینکه با تحفظ بر بیع بودن، می‌توان متعلق معامله را کلی فی الذمه در نظرگرفت. نهایتاً آن است که معتقد شویم طرفین در امروز نسبت به بیع در فردا، متعهد شده‌اند. خصوصاً آنکه هنگام انعقاد معامله فردایی، قصد مبادله مبیع وجود نداشته باشد. چرا که در قریب به اتفاق موارد، خریداران ممکن است مبیع را در اختیار نداشته باشند و صرفاً با غرض کسب منفعت از پیش بینی قیمت روز آینده، وارد معامله شوند. همچنین غالباً مشتری در این معاملات نسبت به مثمن تملکی نمی‌کند و ممکن است حتی ثمن را در اختیار نداشته باشد و ورود وی به معامله فردایی صرفاً براساس توقع کسب سود از وضع متغیر بازار باشد. لذا صوری بودن به خودی خود بدون اینکه عنوان مبطِل دیگری از قبیل ضرری بودن را بر معامله منطبق کند، اشکالی را متوجه معامله فردایی نخواهد کرد.

ارزیابی قدرت بر انجام تعهد یا تسلیم فرع بر این نیست که مشخص گردد، موضوع معامله - چیزی که متعلق قصد مشترک طرفین واقع شده‌است – تعهد طرفینی کنونی به بیعی در فرداست

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

یا تغیرات بین نرخ واقعی و پیش بینی‌شده. اگرچه که این مساله که آیا عدم قدرت بر تسلیم می تواند مانع تلقی گردد یا خیر؟ در صورت اول، جدی‌تر است. چرا که تحویل مورد معامله، غالباً موضوعیت ندارد.

به نظر می‌رسد در فرض سپردن تضمین قبل از اقدام به معامله فردایی نزد رئیس گروه، در مواقع اندکی که متعاملین قصدجدی بر تحویل عوضین دارند، قدرت بر تسلیم در نگاه کسانی که قدرت بر تسلیم را شرط می‌دانند - نه اینکه عجز از تسلیم مانع تلقی گردد - قابل احراز می‌باشد. اما در غالب معاملات فردایی که تحویل مورد معامله هیچ‌گونه موضوعیتی برای طرفین ندارد، عجز در تسلیم، موجب بطلان نخواهد شد. چون همین که طرفین نسبت به امکان انعقاد تعهد ظن متآخم به علم داشته باشند برای صحت کفایت می‌کند(انصاری، ۱۴۱۵ق، ج۴، ص۱۸۶-۱۸۷). چرا که "قدرت بر اجرای تعهد" یک قابلیت است که جنبه عرفی و نوعی داشته و از شرایط و موضوعات مورد تعهد است نه از اوصاف متعهد. به عبارت دیگر، شرط قدرت طرفین بر تسلیم، قدرت واقعی نیست تا معامله‌ی اغلب معامله‌گران فردایی که برایشان تحویل موضوعیتی ندارد، معامله غرری محسوب شود. بلکه قدرتِ معلوم کافی است(همان، ص۱۹۳).

چنان‌چه در نگاهی سختگیرانه کسی معتقد شود حتی در موردی که اثر ثانویه عقدی تعهد به تسلیم مال است، اگر متعهد، قدرت واقعی بر تسلیم نداشته باشد، معامله باطل است.

۳-۲-ممنوعیت از باب ضرر به دیگران

به موجب ضابطه فقهی لاضرر، آن گروه از مبادلاتی که اصل، اطلاق و یا شرایطشان، ضرر یا ضراری را به دنبال دارد، به ترتیب محکوم به بطلان، تقیید به رعایت شرایطی یا لغو شرط می‌گردند. اگر چه در قرآن، آیه ای که در صدد نفی ضرر به صورت یک قاعده کلی باشد، نیامده‌است، ولی در آیات متعدد، احکامی ارائه شده‌است که از باب تعلیق حکم به وصف و تنقیح مناط، می‌توان نفی ضرر را به صورت یک قاعده کلی از آنها استفاده‌نمود(موسویان، ۱۳۹۹، ص۱۲۱). مهم‌ترین مستند قاعده، روایات متعددی(عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۸، ص۱۴و ۳۲؛ ج۲۵، ص۴۲۹) است که به بیان‌های مختلف ضرر و ضرار را در حوزه‌ی اسلام نفی می‌کنند(انصاری، ۱۴۱۵ق، ج۲، ص۳۷۲؛ ج۵، ص۱۶۱) و ادعای کثرت و تواتر آنها به حدی است که ما را از بررسی سندی آنها بی‌نیاز می-کند(حلی(فخرالمحققین)، ۱۳۸۷ق، ج۲، ص۴۸).

خلاف نفع، ضد نفع و سوء حال(جوهری، ۱۴۱۰ق، ج۲، ص۷۱۹؛ ابن اثیر، بی‌تا، ج۳، ص۸۱؛ طریحی، ۱۴۱۶ق، ج۳ ، ص۳۷۳) از جمله تعابیری است که لغویان برای معنای « ضرر» ذکر کرده-اند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

در اصطلاح فقهی، ضرر به فقدان هر دارایی از قبیل جان، مال، آبرو اطلاق می‌شود(مکارم، ۱۴۱۱ق، ج۱، ص۵۵). لذا نتیجه « نفی ضرر و ضرار»، نفی هر نوع عمل مضر به جان، مال و آبرو افراد است.

نفی در حدیث، محتاج تقدیر نیست و ظهور در نفی حقیقی دارد. مقصود شارع از « لاضرر و لاضرار » نفی وجود ضرر و ضرار در عالم شرع است. به این بیان که، چون ضرر و ضرار، مورد رضایت و امضا شرع نیست، حقیقتاً هیچ ضرر و ضراری در قلمرو شریعت، تحقق پیدا نمی‌کند.

در دیدگاه برخی از فقها، نه تنها مفاد قاعده لاضرر نسبت به نفی احکام وضعی ضرری شمول دارد، بلکه از احکام تکلیفی ضرری اولی است(بجنوردی، ۱۴۱۹ق، ج۱، ص۲۳۵).

گرچه عموماتی هم چون اوفوا بالعقود مقتضی صحت شرعی تمام معاملات عقلایی است، لکن مقتضای قاعده لاضرر و لاضرار، ممنوعیت آن گروه از معاملاتی است که اصل معامله یا یکی از اوصاف معامله یا نبود شرطی در معامله منجر به ضرر بر دیگری گردد. بر این اساس معامله گران فردایی وظیفه دارند در انجام فعالیت‌های خود افزون بر مصالح خود به رعایت حقوق جامعه نیز توجه کنند؛ کما اینکه نهادهای حکومتی در فرض عدم مانع در مشروعیت این معاملات از جهات دیگر، می‌توانند با استناد به این قاعده در راستای حفظ مصالح عمومی و جلوگیری از ضرر و ضرار جامعه، ضوابط ثابت و متغیری وضع کرده و بر فعالیت معامله‌گران نظارت نمایند.

از یک منظر، مخاطبین معاملات فردایی را می‌توان به دو بخش تقسیم نمود. غرض بخش نخست که جمعیت اندکی را به خود اختصاص می‌دهد، آن است که با پوشش ریسک، مورد معامله را تحویل گیرند. گروه دوم، افرادی موسوم به سفته بازها هستند که با هدف تحویل و تبادل مورد معامله در سررسید وارد نشده‌اند. بلکه صرفاً کسب سود از محل تغییر قیمت‌ها را دنبال می-کنند(واعظ و دیگران، ۱۳۹۳، ص۳-۴)؛ سفته بازی سوداگری فعالیت اقتصادی است که به انگیزه‌ی کسب سود از طریق پیش بینی تغییر قیمت، صورت می‌گیرد. خرید و فروش سفته بازان به ترتیب مبتنی بر پیش بینی افزایش و کاهش قیمت یک دارایی می‌باشد. از این رو بسیاری از خرید و فروش‌ها واقعی نیست(معصومی نیا، ۱۳۸۹، ص۳۶). سفته بازی در شرایط طبیعی در عین اینکه مزایایی از قبیل کاهش دامنه‌ی نوسانات، نقدیدنگی بالا و واقعی‌تر شدن قیمت‌ها برای بازار به ارمغان دارد؛ اما در بسیاری از موارد سفته‌بازان می‌توانند با حاکم کردن شرایط تصنّعی در بازار به نفع خود با ائتلاف در نشر اخبار کذب، انجام معاملات صوری، موجب تحمیل ضرر به سایرین گردند. این پیامدهای منفی به جهت اینکه معاملات فردایی زیرنظر ناظر رسمی و قانونی واقع نمی‌شود و شبهه‌ی تعارض منافع جدی است، تشدید می‌گردد. چرا که زمینه برای تشکیل گروه‌هایی که با اعلام قیمت‌های بالاتر از قیمت واقعی به دنبال تبانی، اختلاس و دستکاری کردن بازار و بالتَبَع، اختلال در نظام اقتصادی هستند، وجود دارد. بنابراین غلبه‌ی معاملاتی که با این انگیزه به وقوع

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

می‌پیوندد، به دلیل قدرت سرعت بالای تاثیرگذاری‌شان، آثار مخربی را برای بازار همراه دارد. این خلاء جدی، سبب وارد شدن ضرر بر مشتری خواهد بود.
بله ضرر برای یک فرد در این نوع معامله که غالباً، کسب سود دیگری، آن را به صورت طبیعی اقتضاء دارد، از سنخ عدم نفع است و مشمول لاضرر و لاضرار نمی‌شود.

۳-۳-شبهه‌ی قمار

تصمیم بسیاری از سفته‌بازان وابسته به شانس و تصادف می‌باشد و براساس محاسبه‌ی دقیق و پیچیده صورت نمی‌گیرد؛ آنهایی که مبتنی بر محاسبه اقدام می‌کنند نسبت به اینکه وقایع پیش-بینی نشده‌ی بسیاری با درجه‌ی دخالت نامعلوم در حدوث قیمت واقعی، تعیین کننده است، ملتفت هستند. لذا با غرض کسب سود و به جان خریدن ضررهای احتمالی، در معامله‌ای ریسکی وارد می-شوند. از این منظر، کار عموم آنها، مشابه قماربازان است(فرخی‌کاشانی و عرب‌مازار، ۱۳۹۲، ص۲۴۷-۲۵۰).

در میان اقسام چهارگانه‌ای که در کتب فقهی برای قمار مطرح گردیده است، قدر متیقّن از حرمت تکلیفی و وضعی، قسمی است که لعب همراه با برد و باخت مالی و آلات معدّ برای قمار باشد(انصاری، ۱۴۱۵ق، ج۱، ص۳۷۱). قسمی از قمار که بر مقام، قابل تطبیق است، بازی با غیر آلات قمار همراه با برد و باخت مالی است. حرمت وضعی این قسم نزد همگان مسلّم است. حتّی برخی همچون صاحب جواهر که به جهت احتمال موضوعیت داشتن آلات معدّه در صدق قمار، نسبت به حرمت تکلیفی اشکال کرده‌اند، به استناد صحیحه حفص بن البختری[۱](کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۵، ص۵۰) حرمت وضعی را پذیرفته‌اند. چون مشخّص نیست که لاسبق در روایت به سکون باء است که به معنای نفس مسابقه است و از آن حرمت تکلیفی و وضعی فهمیده شود یا به فتح باء و به معنای عوض و جایزه است که تنها بطلان وضعی فهمیده شود، باید به قدر متیقّن که بطلان وضعی است، أخذ گردد. البته به نظر مختار، حرمت تکلیفی این قسم نیز از برخی روایت(صدوق، ۱۴۱۳ق، ج۴، ص۵۹)[۲] مستفاد است.

---

۱ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا سَبَقَ إِلَّا فِي خُفٍّ أَوْ حَافِرٍ أَوْ نَصْلٍ يَعْنِي النِّضَالَ.

۲ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ سَيَابَةَ قَالَ: ...أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ- إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَنْفُرُ عِنْدَ الرِّهَانِ- وَ تَلْعَنُ صَاحِبَهُ مَا خَلَا الْحَافِرَ وَ الْخُفَّ وَ الرِّيشَ وَ النَّصْلَ- فَإِنَّهَا تَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ...

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

شواهد و قرائنی بر حرمت تکلیفی این قسم از قمار که قابل تطبیق بر مقام است اقامه گردیده است ولی به نظر می‌رسد جز از ظهور لعن در حرمت در روایت علاءبن‌سیابه[۱](صدوق، ۱۴۱۳ق، ج۳، ص۴۸) که طبق مفادش، ملائکه هنگام رهان، صاحب آن را لعن می‌کنند، حرمت تکلیفی مستفاد نیست. هرچند وی توثیق خاص ندارد؛ اما چون از مشایخ ابن أبی عمیر است، توثیق می‌گردد.

البته باید توجه داشت مجرد شباهت معامله‌ی فردایی با بخت آزمایی و قمار، برای ترتب حکم حرمت کفایت نمی‌کند. چرا که در بخت آزمائی، متعلق بیع مجهول است؛ در قمار نیز اکل مال به باطل است؛ ولی در معامله فردایی، نوسانات بازار در قیمت خرید و فروش مؤثر است. لذا نمی‌توان معامله فردایی را به مثابه‌ی دو مورد یاد شده تلقی کرد.

۳-۴-عدم جواز تصرف با رضایت مالک به تصرّف در مال

برخی تصور نموده‌اند ولو قمار، ربا و ... حرام تکلیفی و وضعی باشد، ولی اگر شخص برنده به نحوی از رضایت شخص بازنده به تصرّفش در عوض، علم عرفی داشت، تصرّف اشکالی ندارد. چرا که استثناء در "لایحل مال امری مسلم إلا بطیب نفسه" شامل فرضی که صاحب مال حتّی اگر طرف مقابل واقعاً استحقاق نداشت، راضی به پرداخت باشد، نیز می‌شود. بنابراین امثال "أجر المغنیه سحت" و "ثمن الزانیه سحت"، در حرمت این فرض ظهور عرفی ندارد.

از منظری دیگر در روایات، خود عنوان ثانوی قمار و ربا و ... سحت تلقی شده و لذا حرمت وضعی ربا، به بحث طیب‌نفسِ صاحب‌مال ارتباطی ندارد و حتی در فرض رضایت مالک، مترتب خواهد بود.

اما انصاف آن است که رضایت در تصرّف اقسامی دارد که در حکم جواز و عدم جواز تصرف، دخالت دارد. تصرف در صورتی که رضایت به عنوان استحقاق شرعی و یا به عنوان وفای به عقد باشد، خالی از اشکال نیست. اما تصرف در فرض رضایت مستقلّ از استحقاق شرعی و عقد - که صاحب مال حتّی اگر طرف مقابل واقعاً استحقاق نداشت، راضی به پرداخت است - با اشکالی مواجه نیست. البته این قسم، سهم بسیار ناچیزی از معاملات فردایی را به خود اختصاص می‌دهد. چرا که در خارج، غالباً اشخاص با عنوان وفای به عقد تسویه می‌کنند. البته در پاره‌ای از مواقع چون از فساد

---

۱ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ سَيَابَةَ قَالَ :سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ شَهَادَةِ مَنْ يَلْعَبُ بِالْحَمَامِ- قَالَ لَا بَأْسَ إِذَا كَانَ لَا يُعْرَفُ بِفِسْقٍ- قُلْتُ فَإِنَّ مَنْ قِبَلَنَا يَقُولُونَ قَالَ عُمَرُ هُوَ شَيْطَانٌ- فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ- إِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَنْفُرُ عِنْدَ الرِّهَانِ- وَ تَلْعَنُ صَاحِبَهُ مَا خَلَا الْحَافِرَ وَ الْخُفَّ وَ الرِّيشَ وَ النَّصْلَ- فَإِنَّهَا تَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ- وَ قَدْ سَابَقَ رَسُولُ اللَّهِ ص أُسَامَةَ بْنَ زَيْدٍ وَ أَجْرَى الْخَيْلَ.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

شرعی نیز آگاه هستند، با قطع نظر از استحقاق شرعی، پول را پرداخت می‌کنند. در این فرض، تصرّف کذایی اشکالی دارد.

خلاصه آنکه اگر به عنوان وفای به عقد، مابالتفاوت را تسلیم کند - همان‌طور که در بازار رایج است- تسلّم آن جایز نیست. ولی اگر در موارد نادری، به عنوان وفای به قرارداد تسلیم نکند - وفای به عقد عنوان تقییدی نباشد - بلکه تعهد صرفاً داعی بر آن شود که الآن طیب نفس دارد، تصرف اشکالی ندارد.

۳-۵-غیر شرعی بودن منشاء اعتبار گروه

معاملات فردایی در بستر گروهی متشکل از تعدادی اعضاء دارای اعتبار انجام می‌پذیرد. عضویت افراد در گروه متوقف بر پذیرش امری غیرمشروع است. به این بیان که افرادی قابلیت معامله دارند که در مواقع تحمل ضرر، از پرداخت تاوان خودداری ننموده باشند. چرا که اگر فردی به هر دلیل از پرداخت تاوان خودداری کند، از گروه و طبعا از بازار اخراج خواهد شد و اعتبارش برای انجام معاملات فردایی از بین خواهد رفت. لذا همیشه گروه متشکل از اعضایی است که از اعتبار لازم که مقتضی تشکیل این گروه بوده است، برخوردار باشند. لازمه‌ی عضویت در گروه، برخورداری از اعتبار این چنینی است که نامشروع است. شرط مخالف کتاب و سنت تلقی شدن الزام به پرداخت تاوان در صورت نادرستی پیش بینی، در جای خودش مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این جا به دنبال بررسی از این منظر هستیم که آیا غیرمشروع بودن منشاء تشکیل گروه به خودی خود مانعی از مشروعیت معاملات فردایی انجام گرفته در بستر آن هست یا خیر؟ به نظر می‌رسد این امر به خودی خود مانع از اعتبار شخصیت حقوقی گروه نمی‌شود. خصوصاً آنکه اعضاء گروه با شخصیت حقیقی خود اقدام به معامله فردایی می‌کنند و نقش گروه از اخذ تضمین ظاهری متناسب از عضو متقاضی معامله فراتر نمی‌رود.

۳-۶-معهود نبودن

در معاملات فردایی، همواره چنین نیست که طرفین نسبت به انجام معامله در روز آتی با قیمتی که اکنون توافق می‌کنند، متعهّد باشند. بلکه گاهی غرض، معامله بر تغییرات نرخ ارز و طلا برای پوشش ریسک نوسان قیمت است. در این صورت، بدون آنکه مبادله‌ی مورد معامله موضوعیت داشته باشد، طرفین صرفاً نسبت به پرداخت ما بالتفاوت به‌طرف مقابل به عنوان تاوان در صورت خطا در پیش بینی نرخ فردایی، متعهد می‌شوند. لذا در معامله فردایی، لزوماً تملیک عین در مقابل عوض صورت نمی‌گیرد تا از اقسام بیع متعارف محسوب گردد. خصوصیت جایز بودن معامله فردایی

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

مانع از احتساب آن به عنوان عقد اجاره لازم، می‌شود. همچنین بحث وکالت، نیابت، شراکت و سایر عقود معهود نیز مطرح نیست. چنان‌چه براساس این دیدگاه فقهی مشی گردد که شارع مقدس در زمان صدور، همه‌ی روش‌های مجاز داد وستد را برای مردم بیان فرموده‌است و نقل و انتقال‌های خارج از ابواب مشخص فقهی، مصداق اکل مال بالباطل است، تصحیح معامله‌ی فردایی، منحصر در تطبیق آن بر یکی از عقود معهود است(حائری طباطبایی، ۱۴۱۸ق، ج۴، ص۱۱۴؛ اصفهانی، ۱۴۱۸ق، ج۱، ص۱۴۴؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹ق ،ج ۴، ص۱۶۶).

اما انصاف آن است که از این حیث اشکالی متوجه نیست. چرا که طبق نظریه‌ی مختار، می‌توان از بررسی شرایط و قیود خاص آن معهودات، به شرایط و قیود کلی معتبری رسید که با رعایت آنها هر معامله ای هر چند غیر مسبوق در زمان صدر اسلام را تصحیح نمود. لذا راه برای تاسیس و احصاء مصادیق جدید که البته منطبق با ضوابط حاکم بر معاملات اسلامی باشد، گشوده‌است.

۳-۷-ربوی بودن قابلیت خرید زمان و معاملات بلوکه شده

با وجود وضوح اصل «حرمت ربا» و مستند بودن آن به قرآن، سنت، اجماع و اتفاق مسلمانان، اختلافاتی میان فقهاء در باب ماهیت و قلمرو ربای محرم وجود دارد. از نظر برخی، اسلام و قرآن تنها ربای جاهلی را که شکل خاصی از ربا به معنای عام کلمه است، تحریم نموده و در نتیجه بسیاری از معاملات رایج که در نظر اغلب فقهاء مبتلا به ربا هستند، ربوی تلقی نمی‌شوند. این دیدگاه درصدد تجویز قرض‌های با بهره یا قرض‌های با بهره کم و قرض‌های با بهره تولیدی و تجاری است. بررسی متون تاریخی حدیثی و تفسیری نشان می‌دهد که ربای مرسوم در جزیرۀ العرب اختلافی با ربای رایج در جوامع دیگر نداشته به طور کلی در دو زمینه مطرح بوده‌است:

۱.ربا در قرض: مالی را تا مدت معینی قرض می‌دادند و در مقابل شرط می‌کردند که بدهکار مقداری زیاد تر بپردازد و مقدار زاید طبق توافق دو طرف به صورت ماهانه یا سالانه پرداخت می‌شد.

۲.ربا برای تمدید مدت بدهی: وقتی بدهکار در سررسید قدرت پرداخت بدهی را نداشت در قبال تمدید مدت بر مبلغ بدهی افزوده می‌شد(موسویان، ۱۳۹۹، ص ۱۵۸).

ربای قرضی و معاملی دو قسم ربا به شمار می‌آیند. « ربای قرضی» آن است که یک طرف برای تامین نیاز مالی برای امور مصرفی یا سرمایه‌گذاری درخواست قرض نماید و در ضمن قرارداد متعهد گردد که آنچه را می‌گیرد همراه با زیاده برگرداند(امام خمینی، ۱۳۹۲، ج۲، القول فی لقرض، مساله ۹). «ربای معاملی» آن است که یکی از دو کالای مثل هم با زیاده عینی یا حکمی در مقابل مثل آن - که از نظر عرف هم جنس و نیز مکیل یا موزون تلقی می‌شوند - فروخته شود(همان، القول فی الربا).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

شریعت اسلام با غرض جلوگیری از ظلم و هدایت مردم به سمت داد و ستد واقعی به عنوان یکی از ضرورت‌های حیات اقتصادی بشر، ربا را تحریم نمود. اقتضا این امر، ممنوعیت هرگونه تبادل اقتصادی به خصوص معاملاتی است که در سایه گسترش نظام سرمایه داری در کشورهای اسلامی، رایج گردیده‌است. بر این اساس، حیله‌هایی که در زمینه ربا مطرح است چنان چه ماهیت و روح حاکم بر آنها از قبیل قرض به شرط زیاده یا خرید یا فروش مثل با زیاده‌ی عینی یا حکمی به مثل دیگر باشند، مصحح نخواهند بود.

هرچند در معاملات فردایی، از کارمزدی که در معاملات آتی رواج دارد، خبری نیست. اما قابلیت خرید زمان در معاملات فردایی، عملکردی مشابه ایفا می‌کند. قابلیت معاملات بلوکه شده، این مزیت را برای طرفی که پیش‌بینی او نادرست بوده فراهم می‌آورد که به‌جای تسویه کامل تاوان در سررسید، به ازای درصدی از تاوان به عنوان کارمزد، یک روز زمان از طرف مقابل بگیرد. این شرط مخالف کتاب و از مصادیق قطعی ربا محسوب می‌شود. چرا که یکی از مصادیق روشن ربا، افزایش بدهی در مقابل تمدید مهلت است. غالب مفسران، در تفسیر آیات ربا یکی از مصادیق رایج در جزیره العرب که قرآن به مقابله با آن برخاسته، افزایش مبلغ در مقابل تمدید مهلت می‌دانند. به نوشته‌ی مفسران، اعراب جاهلی وقتی از کسی طلب داشتند زمانی که سررسید پرداخت فرا می-رسید به او می‌گفتند تعطی او تربی، یعنی بدهیت را می‌پردازی یا بر مبلغ آن می‌افزایی تا سررسید آن تمدید شود. آیات ربا در این شرایط نازل شد و چنین عملی را حرام شمرد. البته این نوع ربا اختصاصی به قرض ندارد و شامل همه‌ی قراردادهای مدت‌دار می‌گردد(فرهنگی جامعه مدرسین، ۱۳۸۱، ص۸۹-۹۲).

هرچند که در باب جریمه تاخیر تادیه به صورت شرط ضمن عقد و وجه التزام توجیه هایی از قبیل شرط ضمانت یا وثیقه برای تصحیح آن پذیرفتنی باشد(موسویان، ۱۳۸۴، ص۳۲)؛ اما در معاملات فردایی، شکی در صدق عنوان قرض به شرط زیاده بر قابلیت مزبور و تطبیق آن بر ربا محرم وجود ندارد. چرا که مفاد این ربا به توافق استمرار بدهی در مقابل مبلغی بیشتر بر می‌گردد. در شرط جریمه تاخیر، هدف این نیست. بلکه هدف از چنین شرطی الزام بدهکار به پرداخت به موقع و ارائه راهکاری برای جلوگیری از استمرار بدهی برای حفظ انسجام و اعتبار در امور جاری نهادهای مالی است. زیاده تنها زمانی که در سررسید نقض عهد صورت گرفت، اخذ می‌شود. لذا این شرط به خودی خود اگر در ضمن قراردادی صحیح و لازم صورت گرفته باشد، مخالف با مقتضی عقد، کتاب و سنت تلقی نمی‌گردد تا مشمول اوفوا بالعقود نشود. بله اگر این ترفند، پوششی برای دریافت ربا به حساب آید همچنان که برخی رباخواران اروپایی در مقابل کلیسا در پی گرفته بودند، مشروعیت نخواهد داشت.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

۳-۸-کسب سود از نوسان قیمت

کار، ریسک پذیری، نوسان قیمت‌ها و انحصار از جمله عواملی است که می‌تواند با تاثیر بر میزان تمایل متقاضیان کالا و خدمات و نیز میزان عرضه‌ی بنگاه‌های تولیدی و خدماتی، به رقم خوردن سود منجر گردد. در ما نحن فیه، ذینفعان غالباً در بستر معاملات فردایی درصدد دستیابی به سودی هستند که مبتنی بر پیش‌بینیِ صحیحِ قیمتِ روز آینده است. دست یابند. حال این سوال مطرح است که آیا حدس و پیش بینی می‌تواند منشائی مشروع برای کسب منفعت محسوب گردد؟

وضعیتی که در آن وقوع پیش‌آمدها احتمالی بوده و دارای توزیع احتمالی باشد، ریسک معرفی می‌شود(مصباحی مقدم و صفری، ۱۳۸۸، ص۱۲۲-۱۲۴). ریسک یا مخاطره در فقه در دو معنای مباح و حرام استعمال شده‌است(عبید الله، ۱۳۸۸، ص۵۴).

ریسک گاهی به معنای مقامره و غرر است که در آن ارکان عقد مجهول و مردد بین وجود و عدم هستند. این قسم ریسک، ریسک حرام محسوب می‌شود. در این معنا، یک طرف چیزی به دست می‌آورد بدون آنکه در ازائش شیئی برای طرف مقابل حاصل کرده باشد. به عبارت دیگر تلازم بین عوضین منتفی شده و از مصادیق اکل مال بالباطل خواهد شد. گاهی ریسک، ضرری قابل تدارک را متوجه فرد می‌کند. گاهی نیز به معنای احتمال سود و زیان است که نتیجه‌ی تحولات بازارها و نوسانات قیمت ها است. در این دو صورت اخیر، ریسک مبطل تعاقد نیست. در معاملات فردایی با ریسک نوع سوم مواجه هستیم(امین، ۱۴۰۱، ص۵۲).

از نظر برخی از فقها ریسکی برای سودآوری مورد پذیرش است که نزد عقلاء آثار پسندیده‌ای داشته باشد، متضمن ارزش افزوده باشد و اسباب آن قابل کنترل باشد(مصباحی مقدم و صفری، ۱۳۸۸، ص۱۲۲-۱۲۴).

برخی همچون شهید صدر، ریسک و خطر پذیری را منشاء مشروع سود به حساب نمی-آورند(صدر، ۱۳۶۰، ج۲، ص۲۳۴-۲۳۶؛ هاشمی رفسنجامی،۱۳۶۳، ج۲، ص۴۱). در این دیدگاه، پذیرش احتمال خطر و زوال به عنوان منشاء سود، مستلزم تصحیح مساله قمار و ربا است. حال آنکه این لازمه قابل قبول نیست. همچنین صاحبان این نظریه، سود را در عقود اسلامی از جمله مضاربه، به کار مولّد متعلق می‌دانند و نه صرف مخاطره و ریسک. لذا تنها سود و زیانی که ناشی از ذات عمل و همراه با عمل اقتصادی بوده باشد، برای صاحب سرمایه شرعاً مجاز است.

در دیدگاه برخی، سرمایه اعم از پولی، مالی و فنی در قالب‌هایی چون قرض، اجاره و ... عائدی نصیب صاحبش می‌کند. شهید صدر معتقد است حیثیت عینی بودن سرمایه مثل مال التجاره، تولید سود می‌کند نه وجود اعتباری آن همچون سهام(مطهری، ۱۳۹۴، ص۱۹و۲۰؛ ضیایی، ۱۳۹۵، ص۳۲-۳۶).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

در دیدگاه اسلام، طریقه‌ی کسب سود نیز در مشروع بودن سود، موضوعیت دارد. در آیه‌ی لا تاکلوا اموالکم بینکم بالباطل الا عن تکون تجاره عن تراض، این اصل اساسی اقتصاد اسلامی، به تصویر کشیده شده‌است. به موجب این اصل، توسل به اسباب باطل، مورد نهی واقع گردیده‌است(عسگری و عنان پور، ۱۳۹۳، ص۹۲). لذا مشروعیت یا عدم مشروعیت کسب سود از تغییر و نوسانات قیمت بازار، ارتباط تنگاتنگی با عوامل آن تغییرات دارد. چنان چه منشاء این نوسانات، رفتارهایی از قبیل احتکار، انحصار، قاچاق کالا و واردات کالاهای خارجی باشد که نظام سوق مسلمین را با اختلال مواجه می‌سازد، سودآوری با اشکال همراه خواهد بود(امین، ۱۴۰۱، ۵۲-۵۳).

۳-۹-جهت معامله

معاملات فردایی در هیچ سامانه‌ای به‌صورت قانونی ثبت نمی‌شوند. همین امر این انگیزه را در دلالان تقویت می‌کند تا با تبانی، اختلاس و دستکاری کردن بازار عموماً در شرایطی که ثبات نسبی در بازار حاکم است، به اعلام قیمت‌هایی بالاتر از قیمت واقعی، مبادرت نموده و از طریق التهاب و تهییج بازار، اختلال در نظام اقتصادی را باعث گردند. این غرض، جهتی نامشروع در معامله محسوب می‌گردد. افزون بر ممنوعیت های ماده ۱۳ و ۱۵ قانون مقررات ناظر بر عملیات ارزی صرافی‌ها، طبق قانون جدید مبارزه با قاچاق ارز کالا، معامله فردایی که قصد طرفین تنها تسویه است، اعم از آنکه توسط صرافی یا غیر آن انجام پذیرد، از مصادیق قاچاق تلقی می‌گردد. چنان چه در معنایی عام، امور خلاف قانون را نیز از مصادیق فعل نامشروع تلقی کنیم، آنچه که به صورت صریح یا ضمنی با ضوابط و دستورالعمل‌های مصوب مغایرت داشته باشد، نامشروع محسوب می‌شود.

۳-۱۰-غرری بودن شرط یا معامله

در ضمن معامله فردایی که تعهدکنونی دو طرف به بیع در روز آینده است، طرفین می‌پذیرند که مبلغی را به عنوان وجه تضمین به رئیس گروه بدهند و متناسب با تغییر قیمت واقعی روز بعد، آن را تعدیل نمایند. به عبارت دیگر، در صورت انجام پیش‌بینی نادرست، تاوان بپردازد. از آنجا که قیمت روز آینده، معلوم نیست، این شرط در ضمن معامله، با ابهام همراه است. لذا شبهه‌ی غرر مطرح می‌گردد. البته این شبهه در جایی مطرح است که تأثیر نوسانات بازار بر قیمت، به قدری فاحش باشد که از منظر عقلا، غیرعادی تلقی گردد. در غیر این صورت غرر جایگاهی ندارد.

برای بررسی این شبهه، دو سوال می‌بایست پاسخ داده شود؛ اولاً آیا این شرط " الزام به پرداخت تاوان در صورت نادرستی پیش بینی" در ضمن معامله، غرری است؟ ثانیاً بر فرض که غرری باشد، آیا مضر به معامله فردایی است؟

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

در یک نگاه، با توجه به مفاد ادله غرر، روشن است که در آن پیامبر(ص)، غرر را به صورت مطلق ممنوع نفرموده‌است؛ بلکه روایتی که در آن نهی وجود دارد در مورد «بیع غرری» است و نه مطلق غرر. معنای غرر نیز یا خدعه و فریب می‌باشد یا خطر. در نتیجه برای بیع غرری دو معنا محتمل است: ۱- بیعی که در آن انسان را فریب بدهند. ۲- بیعی که در اثر آن خطری متوجه انسان بشود ولو خدعه و فریبی در کار نباشد.

در معامله فردایی و متعلق آن، غالباً هیچ یک از طرفین قصد فریب دیگری را ندارند. بلکه هر دو توجه به نوسانات قیمت دارند. لذا معنای اول مقصود نیست. معنای دوم - امکان توجه خطر به متعاقدین - نیز لزوماً همراه با غرر نیست. در نتیجه، شمول غرر نسبت به ما نحن فیه ثابت نیست.

ظهور اولیه نهی، مولوی تکلیفی است. اگر بخواهد ارشادی باشد، نیاز به قرینه و دلیل دارد. در روایت «نهی رسول الله عن بیع المضطر و عن بیغ الغرر»، نه تنها قرینه بر ارشادیت نداریم، بلکه قرینه بر خلاف آن داریم. چرا که به قرینه اینکه بیع مضطر حرام و باطل نیست و حداکثر مکروه است، ظهوری نسبت به «بیع غرری» در نهی تحریمی یا ارشاد به بطلان شکل نمی‌گیرد. لذا حداکثر می‌توانیم بگوییم که بیع غرری مکروه است. حتی اگر دلالت بر حرمت تکلیفی داشته باشد، حرمت دال بر فساد و بطلان نیست. در این صورت، دلیل «اوفوا بالعقود» و «المومنون عند شروطهم» مشمول این مورد نیز خواهند شد. لذا دلالت این روایات بر بطلان معامله‌ی غرری تمام نیستند و در نتیجه قابلیت بطلان شرط غرری را ندارند.

بر فرض این روایات، ارشاد به بطلان معامله‌ی غرری داشته باشند، این احتمال می‌رود که در عین حال که شرط، غرری است اما به اصل معامله سرایت نمی‌کند. به خصوص در فرضی که معامله مستقل و شرط در ضمن عقد دیگری باشد.

برای حل این شبهه، باید این مساله بررسی شود که آیا غرر از شرط به معامله سرایت می‌کند یا خیر؟(امین، ۱۴۰۱، ص۴۶).

در یک نگاه مجهول بودن شرط، به ابهام در ناحیه ثمن و مثمن می‌انجامد. زیرا که شرط ناظر به عوض معامله است. اما انصاف آن است که تعیین عوض در معامله، مقوم محسوب نمی‌شود. لذا بطلان آن شروط، در ناحیه عوضین غرری ایجاد نمی‌کند و عرفاً در این موارد نمی‌گویند حال که شرط غرری است پس معامله فردایی که بر قیمت پیش بینی شده صورت گرفته، غرری شده‌است.

خلاصه آنکه در دلالت روایات باب نهی از بیع غرری هم از جهت موضوع (آیا معنای غرر شامل بحث ما می‌شود یا نه؟) و هم از نظر حکم (آیا غرر موجب بطلان می‌شود و یا صرفاً بر کراهت یا حرمت دلالت می‌کند؟) و هم از حیث تطبیق (آیا معامله فردایی با توجه به این شرط، غرری

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

می‌شود یا تنها شرط غرری است؟) مبتلا به اشکال است. لذا دلیلی بر معامله فردایی از این جهت نداریم.

اگر معامله فردایی، تقابل تعهدها نسبت به بیع در فردا تلقی نگردد بلکه معامله بر قیمت پیش بینی شده‌ی روز آینده تعریف گردد، از آنجا که معوض(قیمت مورد معامله در روز آینده) و عوض(تاوان) مجهول است، ارکان معامله غرری است.

در دلالت روایات باب نهی از بیع غرری هم از جهت موضوع (آیا معنای غرر شامل بحث ما می‌شود یا نه؟) و هم از نظر حکم (آیا غرر موجب بطلان می‌شود و یا صرفاً بر کراهت یا حرمت دلالت می‌کند؟) و هم از حیث تطبیق (آیا معامله فردایی با توجه به این شرط، غرری می‌شود یا تنها شرط غرری است؟) مبتلا به اشکال است. لذا دلیلی بر بطلان معامله فردایی از این جهت نداریم.

نتیجه گیری

این پژوهش به بررسی موانع احتمالی مشروعیت معامله فردایی پرداخته است. به نظر می‌رسد:

۱- معامله‌ی فردایی به خودی خود اشکال "بیع ما لیس عنده" را ندارد.

۲- مجرد صوری بودن بدون اینکه انطباق عنوان مبطِل دیگری از قبیل ضرری بودن را بر معامله موجب گردد، اشکالی را متوجه معامله فردایی نخواهدکرد.

۳- از آنجا که اعضاء گروه با شخصیت حقیقی خود اقدام به معامله فردایی می‌کنند و نقش گروه از اخذ تضمین ظاهری متناسب از عضو متقاضی معامله فراتر نمی‌رود، اناطه ی عضویت در گروه به عدم استنکاف افراد از پرداخت تاوان در مواقع تحمل ضرر به عنوان امری غیرمشروع، حتی در فرض اینکه مانعی در اعتبار شخصیت حقوقی تلقی شود، مشکل آفرین نیست.

۴- از حیث معهود نبودن معامله فردایی اشکالی متوجه این معاملات نمی‌باشد.

۵- شباهت صرف بین کار عموم معامله‌گران فردایی و قمار در کار نیست که برای ترتب حکم قمار کفایت نکند. بلکه بازی با غیر آلات قمار همراه با برد و باخت مالی به عنوان یکی از اقسام قمار بر این قبیل معاملات، قابل تطبیق است که حرمت وضعی آن نزد همگان مسلّم است. طبق نظر مختار، روایت علاءبن‌سیابه در حرمت تکلیفی این قسم از قمار نیز ظهور دارد.

۶- نظر به اینکه در این معاملات، غالباً اشخاص با عنوان وفای به عقد و نه به عنوان رضایت مستقلّ با قطع نظر از استحقاق طرف مقابل، تسویه می‌کنند، تصرف در عوض حتی با

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

رضایت مالک جایز نیست. چنان‌چه طرفین معامله فردایی به عنوان وفای به قرارداد تسویه نکنند بلکه عقد داعی بر طیب نفس فعلی آنها باشد، تصرف با رضایت مالک، خالی از اشکال است.

۷- اگر منشاء نوسانات بازار سرمایه، فعالیت‌هایی از قبیل تبانی، اختلاس و دستکاری کردن بازار در شرایط ثبات نسبی، اعلام قیمت‌هایی بالاتر از قیمت و واقعی حاکم کردن شرایط تصنّعی در بازار باشد، در پذیرش ریسک و خطر پذیری به عنوان منشاء مشروع سود، تردید جدی وجود دارد.

۸- تحمیل ضرر به سایرین ناشی از گشوده‌بودن مجرای این فعالیت‌های سوداگرانه، بعضاً مجرد عدم النفع نیست و مشمول لاضرر و لاضرار می‌شود.

۹- در صورتی که معامله فردایی، تقابل تعهدها نسبت به بیع در فردا تلقی نگردد، بلکه معامله بر قیمت پیش بینی شده‌ی روز آینده تعریف گردد، از آنجا که معوض(قیمت مورد معامله در روز آینده) و عوض(تاوان) مجهول است، ارکان معامله غرری است.

۱۰- در معاملات فردایی، شکی در صدق عنوان قرض به شرط زیاده بر قابلیت خرید زمان و تطبیق آن بر ربا محرم وجود ندارد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

منابع

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد(بی‌تا)، *نهایه فی غریب الحدیث و الاثر*، چاپ اول، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

۲. اصفهانی(کمپانی)، محمدحسین(۱۴۱۸ق)، *حاشیه کتاب المکاسب*، چاپ اول، قم، انوار الهدی.

۳. امین، سیدعلیرضا و دیگران(۱۴۰۱)، " واکاوی فقهی موانع مشروعیت سبدگردانی نهادهای مالی در بازار سرمایه"، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره۸۵، ص۳۳-۵۹.

۴. انصاری، مرتضی(۱۴۱۵ق)، *کتاب المکاسب*، چاپ اول، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.

۵. بجنوردی، سیدحسن(۱۴۱۹ق)، *قواعد الفقهیه*، چاپ اول، قم، نشر الهادی.

۶. بخش فرهنگی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، *ربا*، قم، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۱.

۷. جوهری، اسماعیل بن حماد(۱۴۱۰ق)، *صحاح-تاج اللغه و صحاح العربیه*، چاپ اول، بیروت، دارالعلم للملایین.

۸. حائری طباطبایی، سیدعلی بن محمد(۱۴۱۸ق)، *ریاض المسائل*، چاپ اول، قم، موسسه آل البیت علیهم السلام.

۹. حلی(فخرالمحققین)، محمدبن‌حسن(۱۳۸۷ق)، *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*، چاپ اول، قم، موسسه اسماعیلیان.

۱۰. خمینی(امام)، سیدروح الله(۱۳۹۲ق)، *تحریرالوسیله*، چاپ اول، تهران، مکتبه‌العلمیه‌الاسلامیه

۱۱. صدر، سیدمحمدباقر(۱۳۶۰)، *اقتصادنا(بررسی هایی درباره‌ی اقتصاد اسلام)*، ترجمه عبدالعلی اسپهبدی، تهران، جهاد سازندگی.

۱۲. صدوق، محمدبن‌علی(۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۳. ضیایی، غلام محمد(۱۳۹۵)، *احکام فقهی سود*، پایان نامه سطح۴، جامعه المصطفی العالمیه.

۱۴. طریحی، فخرالدین(۱۴۱۶ق)، *مجمع البحرین*، چاپ سوم، تهران، کتابفروشی مرتضوی.

۱۵. عاملی، سیدجواد بن محمد(۱۴۱۹ق)، *مفتاح الکرامه*، چاپ اول، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

۱۶. عاملی، محمد بن حسن(۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، چاپ اول، قم، موسسه آل البیت علیهم السلام.
۱۷. عسگری، محمد مهدی؛ عنان پور، مجید(۱۳۹۳)، "نفع شخصی در رفتار تولید کننده بر اساس نظریه اقتصاد اسلامی"، *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، سال۳، شماره۶، ص۸۳-۱۰۲.
۱۸. فرخی‌کاشانی، محمود؛ عرب‌مازار، عباس(۱۳۹۲)، "حقانیت دین اسلام مبنی بر زیان بار بودن قمار برای فرد و جامعه"، *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، سال۲، شماره۴، ص۲۴۵-۲۶۵.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب(۱۴۰۷ق)، *کافی*، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. مصباحی مقدم، غلامرضا؛ صفری، محمد(۱۳۸۸)، "بررسی درآمد حاصل از تحمل ریسک از دیدگاه آموزه‌های اسلامی"، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، شماره۳۶، ص۱۲۲-۱۲۴.
۲۱. مطهری، مرتضی(۱۳۹۴)، *مساله ربا و بانک*، چاپ بیست و سوم، تهران، انتشارات صدرا.
۲۲. معصومی نیا، غلامعلی (۱۳۸۹ش)، *ابزارهای مشتقه: بررسی فقهی و اقتصادی*، چاپ دوم، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر(۱۴۱۱ق)، *قواعد الفقهیه*، چاپ سوم، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب(ع).
۲۴. موسویان، سیدعباس(۱۳۸۴)، " بررسی فقهی ـ حقوقی قوانین مربوط به جریمه و خسارت تأخیر تأدیه در ایران"، حقوق اسلامی(فقه وحقوق سابق)، سال۱، شماره۴، ص۱۱-۳۸.
۲۵. موسویان،سیدعباس (۱۳۹۹)، بازار سرمایه اسلامی۱، چاپ دوم، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۲۶. موسویان، سیدعباس؛ بهاری، حسن(۱۳۹۲)، "مبانی فقهی بازارهای پول و سرمایه و کاربردهای آن"، دوفصلنامه معرفت اقتصاد اسلامی، سال۵، شماره۹، ص۵۷-۷۸.
۲۷. میثمی، حسین؛ ندری، کامران(۱۳۹۷)، "آسیب شناسی فقهی معاملات فردایی ارز و طراحی ابزارهای جایگزین در چهارچوب اسلامی"، بیست و هشتمین همایش سالانه سیاست های پولی و ارزی.
۲۸. واعظ، محمد؛ معینی، شهرام؛ درخشان، مرتضی(۱۳۹۳)، "مقایسه تحلیلی سفته بازی و کارآفرینی از منظر اخلاق اسلامی و رشد اقتصادی" ، *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، سال۳، شماره۷، ص۴۱-۶۴.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

۲۹. هاشمی رفسنجانی،علی اکبر(۱۳۶۳)، *سیاست‌های اقتصادی*، چاپ اول، دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-24]